

کتابخانه علمی اطلاعات

۵.۲.۱۱ - ۱۲۹۹۹۸



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشگاه شهید چمران اهواز
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

بلوغ و احکام آن از دیدگاه فقهای امامیه

نگارش:

مجید نیسی

استاد راهنما:

دکتر سید حسین آل طاهها

۱۳۸۹/۹/ ۳

استاد مشاور:

دکتر محمد علی حسینی منش

بهمن ۱۳۸۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
تاسیس ۱۳۰۴

۱۴۶۹۹۸

دانشگاه شهید چمران
اهواز
مدیریت تحصیلات تکمیلی

شماره:
تاریخ:
پیوست:
فرم شماره ۵

باسمه تعالی

(نتیجه ارزشیابی پایان نامه دوره کارشناسی ارشد)

بدینوسیله گواهی می گردد پایان نامه آقای مجید نیسی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد
خانم

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی شماره دانشجویی ۸۶۱۱۷۰۸

تحت عنوان: بلوغ و احکام آن از دیدگاه فقهای امامیه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در تاریخ ۸۸/۱۱/۱۸ توسط هیئت داوران مورد ارزشیابی قرار گرفت و با
درجه عالی تصویب گردید.

۱- اعضاء هیئت داوران:

الف - استاد راهنما: دکتر سید حسین آل طاها

ب - استاد مشاور: دکتر محمدعلی حسینی منش

ج - داور ۱: دکتر عبدالحسین رضایی راد

د - داور ۲: دکتر محمد حسین گنجی

مرتبه علمی

استادیار

استادیار

استادیار

دانشیار

ه - نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه (استاد ناظر): دکتر قاسم بستانی

۲- مدیر گروه: دکتر خسرو نشان

استادیار

۳- معاون آموزشی دانشکده: دکتر سید یوسف محفوظی موسوی

استادیار

۴- مدیر کل تحصیلات تکمیلی: دکتر رحیم پیغان

استاد



تقدیر:

از بذل عنایت و توجه استادان ارجمند و

گرانقدر

استاد فرهیخته جناب آقای

دکتر سید حسین آل طاها

و استاد فرزانه جناب آقای

دکتر محمد علی حسینی

منش

کمال تشکر و قدردانی را دارم. راهنمایی شما

بزرگواران چراغ راه تحقیق اینجانب بوده است.

تقدیم به:

مرزداران اندیشه های دینی، بیدار گرانی قبیله ی

اهل قبله، شهیدان راه فضیلت،

ابوعبدالله محمد بن مکی عاملی

9

زین الدین علی بن احمد جبعی عاملی

«وَسَلَامٌ عَلَيْهِمَا يَوْمَ وُلِدَا وَ يَوْمَ قُتِلَا وَ يَوْمَ يُبْعَثَانِ

حَيًّا»

نام خانوادگی دانشجو: نیسی	نام : مجید
عنوان پایان نامه: بلوغ و احکام آن از دیدگاه فقه‌های امامیه	
استاد راهنما: دکتر سید حسین آل طه	استاد مشاور: دکتر محمدعلی حسینی منش
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	گرایش: فقه و مبانی حقوق
محل تحصیل: دانشگاه شهید چمران اهواز	دانشکده: الهیات
تاریخ فارغ التحصیلی: بهمن ۸۸	تعداد صفحه: ۲۰۵
واژه های کلیدی: بلوغ، سن بلوغ، علانم بلوغ، بالغ	
چکیده:	
<p>بلوغ در زندگی انسان و اینکه بدان مخاطب احکام خالق هستی می شود اهمیت فراوانی دارد. در واقع انسان نابالغ مورد توجه احکام شرعی نیست و مسئولیتی در قبال کارهای اشتباه یا درست خود ندارد لذا نمی توان او را بازخواست کرد. بنابر فرمایش رسول اکرم (ص): «قلم تکلیف از سه نفر برداشته شده است از کودک تا محتلم شود و...» و قانون مدنی از این حکم کلی شرع تبعیت کرده است.</p> <p>بنابراین شناخت بلوغ، و در نتیجه تشخیص اینکه کدام انسان مکلف و مسئول کارهای خود است و کدام مسئول اعمال و افعال خود نیست، اهمیت بسزایی دارد. این رساله به دنبال کشف آثار مختلف بلوغ در احکام شرعی، عقود، ایقاعات و عبادات است. و آثار آن (بلوغ) را در اعمال و کردار انسان مورد بررسی قرار می دهد.</p>	



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

مقدمه ۳

فصل اول ، کلیات

۱-۱ بلوغ در لغت.....	۶
۲-۱ علائم، آثار و نشانه های بلوغ از دیدگاه فقهای شیعه.....	۷
۳-۱ علائم، آثار و نشانه های بلوغ از دیدگاه صاحب جواهر.....	۸
۴-۱ علائم و سن بلوغ از دیدگاه شیخ طوسی.....	۲۵
۵-۱ علائم و سن بلوغ از دیدگاه دیگر فقها.....	۲۷
۶-۱ آثار و علائم از دیدگاه علمای حقوق.....	۳۹
۷-۱ ادعا و اقرار به بلوغ.....	۴۱
۴-۱ نتیجه.....	۴۴

فصل دوم ، بلوغ در عبادات

۱-۲ بلوغ در نماز.....	۴۷
۲-۲ بلوغ در روزه.....	۵۸
۳-۲ بلوغ در حج.....	۶۷
۴-۲ بلوغ در زکات.....	۷۱
۵-۲ بلوغ در جهاد.....	۷۸
نتیجه.....	۸۲

فصل سوم، بلوغ در عقود

۱-۳ بلوغ در نکاح.....	۸۵
۲-۳ بلوغ در اجاره.....	۱۰۵
۳-۳ بلوغ در قرض.....	۱۰۸
۴-۳ بلوغ در وقف.....	۱۱۰

۱۱۱	۵-۳ بلوغ در وکالت
۱۱۵	۶-۳ بلوغ در جزیه
۱۱۷	۷-۳ بلوغ در وصیت
۱۲۷	۸-۳ بلوغ در حجر
۱۳۴	۹-۳ نتیجه

فصل چهارم ، بلوغ در ایقاعات

۱۳۷	۱-۴ بلوغ در طلاق
۱۴۶	۲-۴ بلوغ در لعان
۱۴۹	۳-۴ بلوغ درظهار
۱۵۲	۴-۴ بلوغ در ایلاء
۱۵۴	۵-۴ بلوغ در نذر
۱۵۵	۶-۴ بلوغ در اقرار
۱۵۹	۷-۴ نتیجه

فصل پنجم ، بلوغ در احکام

۱۶۱	۱-۵ بلوغ در ولایت
۱۶۵	۲-۵ بلوغ در لقطه
۱۶۸	۳-۵ بلوغ در شفعه
۱۷۰	۴-۵ بلوغ در حجر
۱۷۱	۵-۵ بلوغ در شهادت
۱۷۴	۶-۵ بلوغ در حدود
۱۸۷	۷-۵ بلوغ در قصاص
۱۹۵	۸-۵ نتیجه

۱۹۷	منابع و ماخذ
-----	--------------

انگیزه انتخاب موضوع

با توجه به اینکه تمامی مباحث فقهی و حقوقی ارتباط تنگاتنگی با سن بلوغ دارند، به گونه ای که شرط عمومی تمامی عقود، ایقاعات، عبادات و احکام محسوب می شود. به وضوح قابل دریافت است که نفوذ و صحت کلیه عقود باید منوط و مشروط به رسیدن به سن بلوغ باشد و این موضوع کمتر مورد توجه تخصصی واقع شده است. لذا ضروری دانستم که این موضوع به طور ویژه و تخصصی مورد بحث و بررسی واقع شود و کارایی آن در حوزه های مختلف حقوقی و فقهی تعیین شود و غبار از این مفهوم برداشته شود.

از طرف دیگر شایسته دانستم علاوه بر کسب اطلاعات و دانش در این زمینه دانشجویان را نیز با این شرط مهم فقهی و حقوقی آشنا سازم و زمینه تحقیق و پژوهش را در آنها زنده نمایم .

روش تحقیق :

این پژوهش که ماهیتی نظری دارد با بررسی کتابهای فقهی و حقوقی همچون «الینابیع الفقهیه»، «جواهر الکلام»، «المختصر نافع» و و نیز با استفاده از نرم افزار معجم الفقهی صورت پذیرفته است که روشی کتابخانه ای است . اطلاعات مورد نیاز ابتدا به فیشها منتقل شدند و پس از دسته بندی به صورت منسجم و مرتبط در کنار هم چیده شدند و اساس این رساله را بوجود آوردند .

فصل بندی پایان نامه و ترتیب آنها :

این پایان نامه در پنج فصل تنظیم گردیده است :

فصل اول به کلیات می پردازد و به ترتیب بلوغ از نظر لغوی، معنای لغوی آثار و علائم بلوغ از دیدگاه علمای حقوق و علائم، آثار و نشانه های بلوغ در کتب فقهی علمای شیعه را مورد بررسی قرار می دهد .

فصل دوم به آثار بلوغ در عبادات می پردازد .

فصل سوم آثار بلوغ در عقود را مورد بررسی و مذاقه قرار می دهد .

فصل چهارم به آثار بلوغ در ایقاعات اختصاص دارد .

فصل پنجم به بررسی آثار بلوغ در احکام شرعی می پردازد.

و در پایان هر فصل نیز نتیجه گیری لازم صورت گرفته است.

مقدمه

بلوغ یکی از شرایط تکلیف است، که در کنار دیگر شرایط تکلیف موجب لازم شدن عبادت برانسان می شود. اگر نظری به احکام اسلام داشته باشیم، در همه آنها بلوغ شرط لازم و حتمی است. و آغاز مرحله ای طبیعی در زندگی انسان است که در آن با پیدایش و شکوفایی غریزه جنسی و پدید آمدن برخی دگرگونیهای جسمی و روانی و رشد عقلی و ادراکی، کودک به مرتبه زنان و مردان نایل می آید.

اهمیت بلوغ در فقه اسلامی و حقوق اسلامی به آن است که نقطه آغاز شمول تکلیف و بسیاری از حقوق و احکام شرعی نسبت به هر فرد مسلمان شمرده می شود. از این رو سن بلوغ را سن تکلیف نیز می نامند. از آنجا که در منابع فقهی تعریفی خاص از بلوغ ارائه نشده است، شاید بتوان گفت که مراد از بلوغ در اصطلاح فقها همان بلوغ طبیعی است.^۱ با این همه چون از میان امارات و نشانه های بلوغ طبیعی تنها برخی از آنها در فقه پذیرفته و سن بلوغ نیز در فقه اسلامی معین شده است، بلوغ و بالغ در فقه اسلامی به اصطلاحی خاص تبدیل شده که با مفهوم لغوی و عرفی آن انطباق کامل ندارد، هر چند امارات و نشانه های بلوغ شرعی همان نشانه های بلوغ طبیعی است.^۲ در قرآن درباره بلوغ سه تعبیر به کار رفته است: بلوغ نکاح^۳، بلوغ علم و بلوغ اثر^۵. بیشتر مفسران مراد از بلوغ نکاح را رسیدن کودک به سنی می دانند که در آن توانایی ازدواج پیدا می کند اما برخی مراد از آن

۱- جنجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، فی شرح شرائع الاسلام، ۴۳ جلد، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸ ه.ش، ج ۲۶، ص

۳۸

۲- همان، ص ۳۹

۳- نساء، آیه ۶

۴- نحر، آیات ۵۸ و ۵۹

۵- یوسف، آیه ۲۳

را احتلام دانسته اند. ۱ (نساء : ۶) همچنین مفهوم بلوغ حلم به اتفاق مفسران رسیدن به اوان بلوغ جنسی است. ۲ (نور ، ۵۹ ، ۵۸) در این میان توضیح راغب ۳ مبنی بر اینکه زمان بلوغ از آن رو بلوغ حلم نامیده شده که انسان بالغ، شایستگی و توانایی حلم به معنای نگه داری نفس از خشم را دارد، در خور ذکر است .

بیشتر مفسدان مراد از بلوغ اشد را رسیدن به سنی دانسته اند که در آن قوای جسمی و عقلی به رشد و شکوفایی می رسد. ولی در این باره سنین مختلفی (از ۱۸ تا ۶۲ سال) ذکر کرده اند. در فقه پنج علامت اصلی برای بلوغ ذکر شده که در این میان تنها سه علامت را میان دختر و پسر مشترک دانسته اند : احلام ، انبات و سن . تمامی فقها احتلام را چه در خواب و چه در بیداری نشانه بلوغ شمرده اند. ه نشانه دیگر بلوغ انبات، یعنی برآمدن موی خشن بر شرمگاه است.

-
- ۱- طباطبائی، محمد حسین ، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمد رضا صالحی کرمانی، ۱۷ جلد، موسسه مطبوعات دار العلم، قم، ۱۳۴۴ ه.ش، ج ۷، ص ۳۱۱
 - ۲- طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۸۸
 - ۱ الاصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن ، چاپ اول، دفتر نشر کتاب، بی جا، ۱۴۰۴ ه.ق
 - ۳- طباطبائی، محمد حسین، پیشین، ص ۹۴
 - ۴- نجفی محمد حسن، جواهر کلام، ص ۲۵۲

فصل اول : کلیات

۱-۱- بلوغ در لغت

۱-۲- علائم، آثار و نشانه های بلوغ از دیدگاه های فقهای شیعه

۱-۳- علائم، آثار و نشانه های بلوغ از دیدگاه صاحب جواهر

۱-۴- علائم و سن بلوغ از دیدگاه شیخ طوسی

۱-۵- علائم و سن بلوغ از دیدگاه دیگر فقها

۱-۶- آثار و علائم بلوغ از دیدگاه علمای حقوق

۱-۷- ادعا و اقرار به بلوغ

۱-۸- نتیجه

بلوغ در لغت

درباره معنای بلوغ در کتب لغت از دیر باز تا کنون نظریاتی ارائه شده و تعاریفی داده شده است که این تعاریف با وجود اختلاف دوران مولفین بسیار نزدیک به هم هستند .

بلغ: (بَلَّغَ الصَّبِيَّ) از باب فَعَلَ به معنی احْتَلَمَ (محتلم شد) وَ اَدْرَكَ وَ الْأَصْلُ بَلَّغَ الحُلْمَ وَ قَالَ ابْنُ القَطَّاعِ بَلَّغَ بلاغاً فَهُوَ بِالِغِّ وَ الجارِيَةُ بِالِغِّ ايضاً بدون هاء تانيث .

ابن الانباری می گوید: (قالو الجارية بالغ) و از ذکر موصوف مستغنی شدند و از تاء تانيث آن و تانيث صفت آن، همانگونه که می گویند: (امراه حائضه) و شافعی می گوید (جارية بالغ و سمعت الاعراب تقولوه و قالو امراه عاشق). این تقلیل و تمثیل می فهماند که اگر موصوف ذکر نشود واجب است تاء تانيث ذکر شود به جهت جلوگیری از تلبس مانند مررت ببالغه .

و چه بسا با وجود ذکر موصوف صفت تاء تانيث بگیرد زیرا اصل این است .

ابن قوطیه می گوید: بَلَّغَ بلاغاً فَهُوَ بِالِغِّ وَ الجارِيَةُ بِالِغِّ ، بَلَّغَ الكِتَابَ أَي وَصَلَ ، بَلَّغْتَ

الْتِمَارُ أَي اَدْرَكَتْ وَ نَضَجْتَ . ۱

بَلَّغَ: بَلَّغَ الغُلامَ أَي اَدْرَكَتْ وَ الْأَمْرَ وَصُولَ الي غَايَتِهِ ، بَلَّغَ الشَّيْءَ: أَي وَصَلَ إِلَيْهِ

بَلَّغَ الشَّجَرَ: حَانَ إِدْرَاكُ الثَّمَرِ ۲

بَلَّغَ: بَلَّغَ الثَّمَرَ: نَضَجَ (رسید)

بَلَّغَ الغُلامَ: اَدْرَكَتْ (به درک و فهم رسید)

۱ - حقیری فیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ۲ جلد، دار الفکر، قم، (بی تا)، جلد ۲، ص ۱۰۸

ذیل ب

۲ - انیس ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، ۲ جلد، چاپ دوم، دار الدعوه، استانبول، (بی تا)، ص ۶۹

بَلِّغِ الْأَمْرَ: وَصَلِّ إِلَى غَايَتِهِ (به هدف خود رسید)

بَلِّغِ الشَّيْءَ: وَصَلِّ إِلَيْهِ (به آن دست یافت)

بَلَّغَتِ الْعِلْمَ: اشْتَدَّتْ (شدید شد)^۱

علائم، آثار و نشانه های بلوغ از دیدگاه فقهای شیعه

فقهای اسلام نشانه هایی برای بلوغ ذکر کرده اند که برخی از آنها طبیعی و فیزیولوژی و برخی شرعی و قانونی هستند. نشانه های طبیعی بلوغ در فقه امامیه عبارتند از روئیدن موی خشن بر پشت آلت تناسلی، بیرون آمدن منی از مخرج معتاد (احتلام)، قاعدگی (حیض) و بارداری (حمل). در فقه امامیه قاعدگی (حیض) و بارداری از علائم بلوغ به شمار نیامده ولی نشان دهنده بلوغی است که قبلاً حاصل شده است. اما در مورد سن بلوغ بین فقها اختلاف نظر شدید دیده می شود. اکثر فقهای امامیه به استناد پاره ای از روایات سن بلوغ را در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ سال تمام قمری می دانند. برخی از روایات معتبر دلالت دارند که سن بلوغ در پسر و دختر ۱۳ سال تمام قمری است و برخی از معاصرین به استناد آنها فتوا داده اند. قولی هم وجود دارد که طبق آن سن بلوغ در دختر ۱۰ سال است.^۲

منظور از بلوغ رسیدن به سنی است که قانون فرض کرده است شخص می تواند وارد اجتماع شود، نفع و ضرر خود را تشخیص دهد، و از منافع خود دفاع نماید.

نشانه دیگر بلوغ در فقه، رسیدن کودک به سن معینی است که به استناد احادیث معلوم شده است به موجب این احادیث هرگاه تا رسیدن کودک به سن مزبور، هیچ یک از دیگر

۱- الیاس جوزف، ناصف جرجس، معجم عین الفعل، یک جلد، چاپ اول، بیروت، ۱۹۹۵، ص ۳۸-۴-لجنه معجم فقه الجواهر، جلد ۶، چاپ اول، الغدیر، بیروت، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۴۷

۲- صفائی حسین و قاسم زاده مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، چاپ ششم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲، ش، ص ۲۰۸

امارات شرعی بلوغ تحقق نیافته باشد، سن یاد شده زمان بلوغ کودک محسوب خواهد شد .
بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه، سن بلوغ پسر پانزده سالگی تمام قمری است و در
دختر ۹ سالگی است .

از نشانه های اختصاصی بلوغ دختران که در فقه اسلامی پذیرفته شده، نخستین عادت
ماهانه و بارداری است . به نظر مشهور فقهای امامی و نیز برخی مذاهب عامه قاعدگی و
بارداری در واقع نشان می دهند که بلوغ پیشتر تحقق یافته است .

با تحقق بلوغ، کودک به پایه ای از رشد عقلی و جسمی می رسد که می تواند به طور
مستقل و کامل مشمول مسئولیتها و حقوق بشود و مخاطب احکام و مقررات تکلیفی قرار
گیرد . در واقع حصول به این درجه از رشد و توانایی مناط و سبب اصلی وجود و تکالیف
برای فرد بالغ است ^۱ .

علائم، آثار و نشانه های بلوغ از دیدگاه صاحب جواهر

بلوغ به واسطه احتلام در زمانی که محتمل است حاصل می شود و بر بیان شارع متوقف
نمی شود، زیرا بلوغ از امور طبیعی معروف در لغت و عرف است و از موضوعاتی که فقط
از نظر شرع تشخیص داده میشود ، مانند الفاظ عبادات نیست بلکه اهل لغت اشاره به
ترتیب احوال انسان دارند، و اینکه در هر حالتی اسم مخصوصی در زنان و مردان دارد ازاول
خلقت که جنین نامیده شده تا زمان پیری در مردان و یائسگی در زنان .

به هر حال می توان اثبات کرد که نوشته های آنان با عرف مطابقت دارد، غلام زمانی که
محتمل شود بالغ شده و از حد کودکی خارج، و در حد مردانگی وارد شده است و جاریه
(دختر) زمانی است که درک نماید و حائضه شود که در این حالت مانند دیگر زنان است.

آری اگر در امر بلوغ اشتباهی حاصل شود به شرع در مبدأ سنی که به آن بلوغ حاصل می شود مراجعه می شود، برخلاف احتلام و حیض و بارداری و غیره که شکی در صدق بلوغ به آنها لفظاً و عرفاً، نیست چرا که وجود آنها ملازم هم می باشد. به هر حال، شکی نیست که بلوغ کودک با رویش موی خشن برعانه که همان اطراف (آلت) و قبل (در زنان) است حاصل می شود چه فرد مسلمان باشد و چه کافر بر خلاف نظر شافعی در یکی از سخنان خود که معتقد بود رویش مو ویژه کفار است به خاطر آنکه علامت مکتسب است که با معالجه زود پدید می آید. و آنچه از شیخ طوسی در کتاب خلاف ۱ آمده آنست که: «انبات دلیلی بر بلوغ مسلمانان و مشرکان است به جهت اجماع فرقه» و در تذکره ۲ آمده «رویش این مو دلیلی بر بلوغ در مسلمانان و کفار نزد علماء شیعه است» و مالک و احمد و شافعی (در یکی از اقوالش) به آن معتقد و ابو حنیفه گفته است «خصوصیتی در رویش بطور مطلق نیست زیرا این مو مانند دیگر موهای سر و بدن است» و نیز علاوه بر آنچه بیان شد، اخبار روایت شده از طرفین بر آن دلالت دارند.

آنچه از علمای اهل سنت روایت شده آنست که سعد بن معاذ زمانی که در مورد قبيله بنی قریظه حکم داد، عورات افراد نزدیک به بلوغ را مکشوف می کرد؛ پس هر کس که دارای مو بوده کشته شده و آنکه رویش نداشت آزاد می شد.

و نیز آنچه از عطیه القرضی ۳ روایت شده آنست که گفت: «بر پیامبر اکرم (ص) عرضه شدیم پس آنکس که رویش مو داشت کشته شد و آنکس نداشت آزاد می شد و من از کسانی بودم که رویش نداشتم پس آزاد شدم». و نیز آنچه از خبر حمزه بن حرمان از امام ۴

۱ - الطوسی، محمدبن حسن، [شیخ طوسی]:، الخلاف فی الفقه، ۲ ج، چاپ دوم، بی نا، تهران، ۱۳۸۲ هـ. ش، ج ۱، ص ۹۶.

۲ - الحلی، حسن بن یوسف [علامه حلی]، تذکره الفقها، ۳ ج، مکتب الرضویه لاحیاء آثار الجعفریه، بی نا، بی تا، ج ۱، ص ۷۸.

۱ - النوری الطبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ۱۸ ج، بیروت، بیجار، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۱، ص ۷.

۲ - الحر العاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ۹ ج، چاپ پنجم، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۱ هـ. ق، ج ۶، ص ۴۳۳.

باقر(ع) روایت شده که «کودک نمی تواند بخرد یا بفروشد و از یتیمی خارج نمی شود تا آنکه به سن ۱۵ سالگی برسد یا محتمل شود یا آنکه مو در صورت درآورد یا انبات حاصل نماید». و آنچه در خبر یزید الکناسی آمده^۱ «کودک را اگر پدرش به ازدواج درآورد و مدرک نباشد خیار دارد اگر درک نماید و به سن ۱۵ سالگی برسد یا در صورت او مو درآید یا درعانه او» .

و نیز آنچه از تفسیر علی بن ابراهیم،^۲ در مورد این سخن خداوند (وابتلوا) تا آخر آن آمده است که می گوید: «هر کس اموال برخی از ایتم را داشته باشد برای او جایز نیست آن اموال را به آنها بدهد تا آنکه به سن ازدواج برسند و محتمل شوند تا آنجا که می گوید و اگر نداند که آیا بالغ شده اند یا خیر، آنها را با استشمام بوی بغل یا رویش موبرعانه آزمایش می کند پس اگر آن دو را داشتند بالغ شده اند».

آری ممکن است به دلیل وجود احادیث خاص در مورد مردان اشکال بر عمومیت آن وارد باشد چرا که از برخی اصحاب وارد شده ، که این احادیث مختص مردان است .

و اما اینکه اصحاب خشن بودن را در احادیث معتبر دانسته اند به خاطر عدم اعتبار موی نارس و موی ضعیفی است که در کودکی یافت می شود و نیز به این دلیل که موی زبر همان است که نشان دهنده بلوغ است. و علت مقید کردن به عانه برای خارج کردن بقیه موهاست که دلیلی بر بلوغ نیستند و در مسالک آمده که «از نظر ما اعتباری به آنها نیست هر چند غالباً آنها بعد از بلوغ در می آیند، پس آنها بر خلاف نظر اهل سنت، دلیل شرعی بر بلوغ نیستند» . شیخ طوسی این رای را در صوم الروضه تقویت کرده است. پس گفت : و در الحاق رویش سبیل و رویش ریش در صورت قول قوی وجود دارد.

۳- همان، ص ۴۳۶.

۴- النوری الطبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۹۶.

و شیخ در مسبوط ۱ در کتاب حجر گفته است: «شکی و نظر مخالفی نیست که رویش ریش در صورت، و نیز سایر موها، به تنهایی دلیلی بر اثبات بلوغ نیست و دلیل سخن مردم که می گویند ریش علامت بلوغ است و آن اولی است این است که عادتاً ظاهر شدن ریش بدون بلوغ معمول نیست و در کتاب صوم آمده است حد بلوغ احتلام در مرد و حیض در زنان و رویش مو برعانه و مو در آوردن و است.

در نهایت ۲ آمده است: « حد بلوغ کودک یا با احتلام یا عقل او کامل شود یا آنکه مو درآورد». و از ابن البراج در مهذب نقل شده است «و حد بلوغ کودک احتلام او یا کمال عقل، یا رویش موی اوست». و در تحریر نزدیک تر به صواب آنست که رویش ریش، دلیل بر بلوغ است، اما سایر موها خیر و در تذکره از قول شافعی ها در آمدن ریش و سبیل علاوه بر رویش مو بر عانه نقل شده است پس گفت: (از آنجائی که عموماً ریش اندکی پس از بلوغ ظاهر می شود، از نظر من اشکالی در الحاق آن به رویش مو بر عانه نیست. و اما آنچه گفته شده که اگر رویش این موها علامت بلوغ باشند، پس الزاماً نشان دهنده این است که موی عانه هم در آمده است و دیگر نیازی به مشاهده نیست، اشکال دارد، به ای دلیل که اولاً اول موی عانه از عورت خارج می شود و ثانیاً موی عانه قبل از ریش و سبیل در می آید. به احتمال زیاد، علت الحاق موی نارس و مانند آن به ریش و سبیل به خاطر عمومیت استناد است و بقیه اصحاب ظاهراً بلوغ را مختص به عانه دانسته اند بلکه صریح برخی از آنان همین است بنابراین به همین (عانه) در علامات بلوغ اکتفا کرده اند. و شاید بدین خاطر که معمولاً رویش این مو متاخر از بلوغ است، آنان به آن به عنوان علامت بلوغ نظر دارند.

۱- الطوسی، محمدبن حسن (شیخ طوسی)، المبسوط فی فقه الامامیه، تحقیق محمد باقر بهبودی، ۸ ج، المكتبة المرتضویه، بیجا، ۱۳۵۱ هـ. ش، ج ۴، ص ۱۸.

۱- الطوسی، محمدبن حسن (شیخ طوسی)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۲ ج، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ هـ. ش، ج ۲، ص ۶۸.

آری، اهمیتی برای بقیه موها نیست مگر آنچه که از ظاهر کلام اصحاب برداشت شد و این به خاطر عمومات کتاب و سنت است و در این مورد معارضی وجود ندارد و در کتاب تذکره ۱ آمده است «اعتباری به موی زیر بغل از نظر ما نیست و شافعی در این مورد دو نظر دارد به این ترتیب مشخص است که اخبار نادری که حاکی از قرار دادن موی زیر بغل در زمره علامات بلوغ وجود دارد و منظور از موها، رویش آن بر عانه یا بر غیر آن است که قبلاً گفته شد.

وسن بلوغ نیز با خروج منی از محل معین که با آن فرزند متولد می شود دانسته می شود و نظر مخالفی از مسلمانان و بویژه شیعه وجود ندارد، بلکه علاوه بر کتاب و سنت، بر هر دو اجماع وجود دارد. خداوند متعال می فرماید: «زمانی که کودکان شما محتمل شوند در ورود به اتاق اجازه بگیرند»^۲ و «ایتام را بیازمائید، تا زمانی که به سن نکاح رسیدند»^۳ و «به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به بهترین وجه تا زمانی که به حد کامل رشد رسیدند»^۴ و نیز هشام بن سالم در موثق ابن سنان می گوید: «پدرم در حالی که من حاضر بودم از امام صادق (ع) در مورد سخن خداوند (حتی اذا بلغ اشد) سؤال کرد امام فرمود: «یعنی احتلام».

و در حدیث نبوی^۶ که موافق و مخالف آن را روایت کرده اند (بلکه از ابن ادریس روایت شده که بر این روایت اجماع وجود دارد) آمده است: (قلم تکلیف از سه نفر برداشته شده است از کودک تا محتمل شود، از دیوانه تا افاقه یابد و از خواب تا بیدار شود)

۲- علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۹۸.

۱- سوره نساء آیه ۵۹

۲- سوره نساء آیه ۶

۳- اسراء آیه ۳۶

۴- البحر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۲۰.

۵- مستطرفات السرائر سنن البیهقی ج ۶ صفحه ۵۷